

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## حل پیچیده‌گی قضیه سوریه از لحاظ سیاسی و میدانی

(ترجمه)

شکی نیست که اهداف واقعی و سوءنیت سیاست‌های بین‌المللی همواره مخفی ساخته می‌شوند؛ سیاست‌های بین‌المللی مبتنی بر ایده‌ای که در اساس برای از بین بردن اسلام و اطمینان از عدم بازگشت آن در عرصه زندگی در نظر گرفته شده است. دولت‌ها جنگ علیه اسلام را نسل به نسل از گذشته‌گان خود به ارث گرفته اند. سیاست دولت‌های کنونی نیز تنها در محور مقیاس منفعت می‌چرخد و بس؛ اما این محور با پوشش‌های فریبنده و رنگارنگ پوشش داده شده و بدین وسیله عوام مردم را فریب می‌دهند؛ کسانی را که به قضا یا سطحی نگریسته و دچار سردرگمی می‌شوند و چشمان‌شان قادر به دیدن اهداف سیاسی نیستند.

در حال حاضر ما در عصری زندگی می‌کنیم که جهان تک‌قطبی شده است و این تنها قطب (امریکا) پس از سقوط بلاک شرق و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جهان را تحت سلطه خود در آورده است؛ طوری که سیاست‌های تمام دولت‌های جهان را تحت شعای سیاست‌های خود قرار داده، یا حداقل سیاست‌های بقیه دولت‌ها، تهدید صریح برای آن تلقی نمی‌شود. بدین سبب است که این تک‌قطب توانسته مجموعه‌ای از ابزارها و مهره‌ها را برای اعمال سیاست‌های خود به کار گیرد و با تاسی از طرز فکر فرعون، پشت جملات و اصطلاحاتی که نمایانگر همدردی و همکاری آن می‌باشد، چهره واقعی و فریبنده خود را پنهان کند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید که فرعون برای مردم چنین گفت:

(ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ)

[غافر: ۲۶]

*ترجمه: مرا بکندارید تا موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند؛ چون من می‌ترسم دین شما را تغییر دهد، یا در این سرزمین فساد و تباهی به بار آورد.*

چهره حقایق به پست‌ترین شکل‌اش عوض می‌شود؛ امریکا از اصطلاح جنگ علیه تروریسم به عنوان شعار، از حقوق بشر، آزادی و عدالت، به عنوان پوششی برای پنهان ساختن عیوب خود استفاده می‌کند؛ در حالی که خود سازنده تروریسم بوده و مردم را به بردگی گرفته است.

این مقدمه‌ای برای درک و تصور بهتر حجم مکر و حيله‌گری بود که علیه انقلاب شام رسم شده و خواهد شد؛ مقدمه‌ای برای شناختن عقیده‌ای که این حيله‌گری بزرگ را اجراء و مدیریت می‌کند و برای شناسای ابزاری که از آن استفاده و اسالیبی که دنبال می‌شود.

شعار اجلاس تاریخی 14 فبروری 2019م (سوچی) دگرگون ساختن حقایق بود. توقف خونریزی و محافظت از غیرنظامیان،

حل و فصل سیاسی و عودت پناهجویان، پوشش فریبنده و رنگارنگی اند که عورت جامعه جهانی را پوشانده و اهداف واقعی را مخفی و چهره حقایق را عوض می‌سازند. اگر به وضعیت دولت‌های عضو نشست سوچی نگاه بیندازیم، واضح خواهد شد که هریک از این دولت‌ها مرتبط به راه‌حل مورد نظر امریکا به دنبال تأمین منافع خود می‌باشند.

روسیه این را به خوبی دریافته است که واقعاً در یک تنگنا قرار گرفته و به خاطر حفظ آبروی خویش می‌خواهد در اسرع وقت ممکن از سوریه بیرون شود؛ در حالی که این را هم می‌داند که امریکا برایش اجازه نمی‌دهد که پرچم پیروزی را برای جهانیان برافراشته و با افتخار از سوریه بیرون شود؛ مخصوصاً این که امریکا بود که پای روسیه را در پرونده سوریه کشانده و برایش اجازه مداخله نظامی داد. صحبت و گفتگوهای تسلط نظام بر ادب حداقل در آینده نزدیک و یا پیش از تکمیل شدن عناصر راه‌حل سیاسی امریکایی دور از امکان است. امریکا راه‌حل سیاسی را بر جهانیان تحمیل کرده و و اقداماتی که برای روسیه اجازه انجام آن داده می‌شود، نیز در همین سیاق است. روسیه توان این را ندارد که راه‌حل نظامی را بر جهانیان تحمیل کرده و پرونده سوریه را به روش خود بسته کند.

از سوی دیگر، جامعه بین‌المللی از این بی‌خبر نیست که نیروهای بشار اسد به کمک نیروهای روسیه و ایران هر زمانی که از طریق نظامی بر منطقه‌ای مسلط می‌شدند، آن منطقه را تحت حمایت خود نگهداشته نمی‌توانستند؛ مخصوصاً بعد از این که جنگجویان از تمام نقاط سوریه جمع شده بودند و بسیاری از غیرنظامیان علیه نظام ستمکار بشار دست به انقلاب زده بودند. راه‌حل نظامی کنترل امور را تضمین کرده نمی‌تواند؛ زیرا آتش انقلاب همواره در سینه‌ها شعله‌ور خواهد ماند؛ هیچ قدرتی توان خاموش ساختن آن را ندارد و آنچه که در درعا اتفاق افتاد، بهترین دلیل بر این موضوع می‌باشد.

بنابر این، غرب در استحکام بخشیدن به تسلط خویش بالای مناطق شمالی سوریه به رهبری گروه‌هایی که خود را به بهای اندکی فروخته اند، تکیه نموده است. رهبری گروه‌ها برای کنترل امور وفق نظر غرب نیرومندترین جبهه بوده و بدون کدام هزینه‌ای در خدمت سیاست‌های امریکایی می‌باشند. اما در هر حال، تنها بازنده میدان مردم شام است و فرزندان که از آن‌ها درین گروه می‌باشند.

اما ایران به دنبال این است که برای خود جای پای در سوریه ایجاد کند. ایران این را می‌داند که روزی تغییری تحت نام دموکراسی ایجاد شده و او از سوریه بیرون کرده خواهد شد. اتباع ایرانی بسیاری را به سوریه انتقال داده و تابعیت سوریه را به آن‌ها گرفته است. ایران تا سرحد مرگ در راستای دفاع از نظام ستمکار بشار استاده خواهد بود؛ حتی اگر تمام مردم سوریه هم درین میدان قربانی شوند.

همین‌طور، ترکیه تمام هم و غمش حفاظت از امنیت و تمامیت ارضی دولت‌اش می‌باشد. روسیه به وسیله توافقنامه آدانا- که میان نظام ترکیه و همتای سوری آن در سال ۱۹۹۸م امضاء شده بود- به این تشویش ترکیه خاطر جمعی داده است.

چنانچه در یکی از بندهای این توافقنامه برای ترکیه حق تعقیب تروریست‌ها را تا مساحت پنج کیلومتر در خاک سوریه و اقدامات امنیتی لازم در صورتی که امنیت ملی ترکیه در معرض خطر قرار گیرد، تقاضا شده بود.

بنابر این، در می‌یابیم که اجلاس سوچی به نام منافع مردم شام، بلکه برای تأمین منافع اعضای شرکت کننده آن برگزار شده بود. بدون شک اجلاس سوچی به راه‌حل سیاسی مورد نظر امریکا هیچ مخالفت نداشته؛ بلکه حتی از طریق تشکیل کمیته قانون اساسی برای تصویب قانونی که ساختار دولت را مشخص می‌سازد، تلاش خواهد داشت.

اما از لحاظ میدانی بمباردهاها سنگین، مناطق زیادی را تبدیل به وحشی‌ترین کشتارگاه‌ها نموده و رهبران گروه‌ها دست بالای دست نشسته و این صحنه را نظاره می‌کنند؛ فشاری که به هدف آمادگی به مرحله ابتدائی برای کوتاه آمدن‌های بزرگ بر مردم اعمال می‌شود و تنازلاتی که به بهانه جلوگیری از خونریزی، پوشش داده می‌شوند. هرگاه نظام اسد را بر برخی از مناطق مسلط سازند، فشارهای این چنینی را بر مردم می‌افزایند. مردم شام باید به خوبی حقیقت نبرد و عظمت قضیه خویش را درک کنند؛ نبردشان نبرد مرگ و زندگی و قضیه‌شان قضیه سرنوشت‌ساز است. این را باید بدانند که منافقین و خائنین هیچگاه دوست آنان نمی‌باشند و گر نه در گودال دشمنانی سقوط خواهند کرد که آن‌ها را دوست گمان می‌کنند؛ در آن صورت، نابودی‌شان حتمی می‌باشد.

پس از این که مردم شام حقیقت نبرد خویش را درک کرده و دشمنان خویش را به خوبی شناختند، در آن زمان است که باید درین نبرد به قدرت مطلق الله سبحانه و تعالی تکیه و توکل خویش را نیکو سازند. مردم شام باید اسناد اعتماد خویش را در پیشگاه الله سبحانه و تعالی پیش کرده و در بدل برنامه‌های وضعی برنامه سیاسی برگرفته از عقیده مسلمانان را اختیار نمایند؛ بدیلی که الله سبحانه و تعالی را راضی ساخته و سزاوار تأیید و نصرت الله سبحانه می‌باشد. در آن زمان است که اهل قدرت و نیرو از آغوش مردم برخاسته و دوشادوش رهبری سیاسی آگاه و مخلص برای تحقق این برنامه و سقوط نظام جنایتکار بشار از هیچ تلاشی دریغ نمی‌نمایند. آن‌گاست که بشارت رسول الله صلی الله علیه و سلم به برپای خلافت راشده بر منهج نبوت تحقق خواهد یافت.

نویسنده: استاد احمد عبدالوهاب

رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سوریه

۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۰هـ ق

27 فبروری 2019م